

رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و سلامت عمومی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان
*Relationship between personality characteristic & general health
with scholastic achievement in students*

Alireza Nouralah

Faculty member of Islamic Azad Universtiy,
Roudehen Branch, Roudehen, Iran

علیرضا نوراله

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

Abstract

The purpose of this investigation was studied relationship between personality characteristic (neuroticism, extraversion, openness, consciousness, and agreeableness) & general health with scholastic achievement in psychologig students. Thus, number 345 (185 boys and 160 girls) selected systematic randomly and tested by Neo-FFI & GHQ-28. Results illustrated That have been done to multiple variables method there is significant relationship among personality characteristic, general health & scholastic achievement However, have been attained that rate of neuroticism (-0/480) factor & openness(0/121)factors. also, certained that between general health & scholastic achievement correlation quotient (-0/305).

Keywords: neuroticism, general health, scholastic achievement.

چکیده^۱

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی (روان رنجوری، ۲، برون گرایی، ۳، بازبودن به تجربه ۴ و طیفه شناسی ۵) و توافق پذیری (۶) و سلامت عمومی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن بود. بدین منظور، تعداد ۳۴۵ دانشجو (شامل ۱۸۵ پسر و ۱۶۰ دختر) به شیوه تصادفی سیستماتیک از دانشکده روان شناسی در مقطع کارشناسی انتخاب و مورد آزمونها FFI - NEO و GHQ-28 قرار گرفتند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها به روش رگرسیون چند متغیری نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی و سلامت عمومی با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد. در این میان، سهم مولفه‌های روان رنجوری و بازبودن به تجربه به ترتیب (۰/۴۸۰-) و (۰/۱۲۱) بدست آمد. همچنین مشخص شد که بین سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، ضریب همبستگی (۰/۳۰۵-) وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: روان رنجوری، سلامت عمومی، پیشرفت تحصیلی.

مقدمه

امروزه نظام‌های آموزشی در تمام کشورهای جهان از اهمیت فزاینده‌ای برخوردارند و به عنوان یکی از ارزشهای بنیادی در تمام کشورهای جهان مطرح می‌شوند به طوری که همگان آن را سرمایه‌ای عظیم می‌دانند و برای افزایش آن تلاش می‌کنند تا در راستای ارتقاء سطح کمی و کیفی آن اقدامات مطلوبی را صورت دهند (ملک‌عبدی، ۲۰۰۱).

از این رو ورود به دانشگاه با تغییرات زیادی در روابط اجتماعی و فردی دانشجویان همراه است. ویژگی‌های فردی و خانوادگی، عوامل هوشی و شناختی، متغیرهای مربوط به طبقه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نظام انگیزشی و نگرشی و بالاخره ویژگی‌های روان‌شناختی و شخصیتی دانشجویان از مهمترین عواملی هستند که در واکنش به استرس در آنها سهم بسزایی دارند و وضعیت سلامت، تندرستی و پیشرفت تحصیلی آنان را تعیین می‌کنند. بروز مشکلات عاطفی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، روابط بین فردی و ... به دنبال آن ایجاد استرس و واکنش‌های دانشجویان به استرس و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی و معدل ایشان از اهمیت زیادی برخوردار است و موجب شکست یا موفقیت تحصیلی در آنان می‌شود.

بر اساس مطالعات بین‌المللی که به روی ۱۷ کشور جهان (شیلی، انگلستان، فنلاند، مجارستان، هند، ایران، اسرائیل، ایتالیا، هلند، زلاندنو، اسکاتلند، سوئد، ایالات متحده، فرانسه، آلمان، روسیه و ژاپن) انجام گرفته است، نشان داده شده است که عوامل انگیزشی و شخصیتی می‌توانند ۱۲ تا ۲۰ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی را توجیه کند (هیوسن ۱۹۶۷، کومبر و کیوز ۱۹۷۳، پوروسی ۱۹۷۳، ثراندایک ۱۹۷۳، کارول ۱۹۷۵، لویس و ماساد ۱۹۷۵). هرچند بزعم بسیاری از متخصصین ابزارهای معتبرتر و پایاتر اندازه‌گیری انگیزش و شخصیت به موضوع درسی، می‌تواند رابطه بین عاطفه و انگیزش و شخصیت را با پیشرفت تحصیلی بهتر نشان دهند. اما آنها مطمئن نیستند که این نوع اندازه‌گیری حتی در بهترین شرایط بتواند بیش از ۲۰ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی را توجیه کند.

با این وصف، بررسی‌های متعددی نشان می‌دهند که بعضی از دانشجویان ممکن است به اختلالات روانی مبتلا شوند. به طوری که عسگری در پژوهشی که بر روی ۴۳۶ نفر از دانشجویان دانشگاه لرستان با استفاده از آزمون GHQ به انجام رسانید، به این نتیجه دست یافت که دانشجویان لرستان از سلامت عمومی به نسبت بالایی برخوردارند و از این رو، اشتیاق آنان به ادامه تحصیل و پیشرفت تحصیلی در حد مطلوب است. هرچند که دانشجویان مسن‌تر و نیز دانشجویان دوره‌های شبانه در مقایسه با دیگر دانشجویان دانشگاه لرستان از سلامت عمومی کمتری بهره‌مند بودند. با این وجود، یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که مقایسه دانشکده‌ها یا رشته‌های تحصیلی و نیز بررسی وضعیت سکونت و وضعیت تاهل با پیشرفت تحصیلی دانشجویان، دارای رابطه معنی‌داری نیست.

شواهد دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی که در آنان استرس به هنگام اجرای امتحانات به طرز قابل توجهی افزایش می‌یابد، دارای نمره‌های بیشتری در مقیاس روان‌رنجوری آزمون NEO می‌شوند و این امر ممکن است سلامت عمومی ایشان را به مخاطره بیندازد که به تبع آن به روی پیشرفت تحصیلی ایشان اثر سوئی می‌گذارد. (دیویدفونتانو ۱۹۹۵).

فان‌هام و چنگ (۱۹۹۷) پرسشنامه‌های شادی آکسفورد، GHQ و NEO را به روی ۵۱۲ دانشجوی دانشگاه آکسفورد اجرا کردند و دریافتند که روان‌رنجوری بیشترین همبستگی را با شادی (۰/۴۴-) دارد. همچنین همبستگی شادی با برون‌گرایی (۰/۳۹) و با وظیفه‌شناسی (۰/۳۱) به دست آمد. آنان در بررسی‌های خود دریافتند که افراد شاد از سلامت عمومی بیشتری برخوردارند.

در چند بررسی مشخص شده است که برون‌گرایی به طور مثبتی با سلامت عمومی رابطه دارد. پژوهشگران نتیجه‌گیری کردند افرادی که در برون‌گرایی نمره بالا و در روان‌رنجوری خوبی نمره پایین می‌گیرند، به صورت ژنتیکی آمادگی پایداری هیجانی را دارند (کوستا و مک کری ۱۹۸۴، واتسون، کلارت، مک اینتایر و هامیکر ۱۹۹۸).

بررسی که بر روی ۱۰۰ مرد و زن دانشجوی انجام پذیرفت نشان داد آنهایی که نمره زیادی در برون‌گرایی گرفتند. بهتر از آنهایی که نمره کمی در برون‌گرایی کسب کردند قادر به کنار آمدن با استرس‌های روزمره بودند. برون‌گرایان همچنین با احتمال بیشتری جویای کمک و حمایت اجتماعی برای برخورد با استرس بودند (امیرخان، ری زینگر و سو ویکرت ۱۹۹۸).

بررسی دیگری درباره دانشجویان دانشگاه نشان داد که طی یک دوره ۴ ساله، برون‌گرایان احتمالاً تعداد بیشتری از رویدادهای مثبت نظیر نمره‌های بالا، ترفیع سالانه، یا افزایش حقوق و مزایا، نامزدی و ازدواج را تجربه کرده‌اند. دانشجویانی که نمره زیادی در روان‌رنجور خوبی گرفته‌اند. برای رویدادهای منفی مثل بیماری، تصادف، افزایش وزن، جریمه رانندگی، یا نپذیرفته شدن در دوره فوق لیسانس، آمادگی بیشتری داشتند (مگنوس، دینر، فوجی تا، و پات ۱۹۹۵).

در بررسی دیگری، اشخاصی که در توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی نمره بالا کسب کرده بودند، از اشخاصی که در این صفات نمره پایین به دست آورده بودند از شاخص‌های سلامت عمومی بیشتری برخوردار بودند (مک کری و کوستا ۱۹۹۶). پژوهشگران دیگری دریافته‌اند افرادی که در روان‌رنجور خوبی بالا بودند برای افسردگی، اضطراب و سرزنش خود، بیشتر مستعد بودند (جورم ۱۹۸۷، پارکس ۱۹۸۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تعداد بیشتر از بیماری‌های جسمی و سطح بالاتری از ناراحتی‌های روانی با نمره‌های بالا در عامل روان‌رنجور خوبی رابطه دارد (لارسن و کاسی ماتیس ۱۹۹۶، اورمل و ولفات ۱۹۹۸).

افرادی که در باز بودن به تجربه نمره بالایی می‌گیرند، به داشتن تمایلات روشنفکرانه گسترده، و جستجوی فعالانه چالش‌ها و تغییر گرایش دارند. آنها در مقایسه با افرادی که نمره پایین در باز بودن به تجربه می‌گیرند، به احتمال بیشتر مشاغل خود را تغییر می‌دهند، حرفه‌های متفاوت را امتحان می‌کنند و تغییرات زندگی بیشتری را انتظار دارند (مک کری و کوستا ۱۹۹۶).

افرادی که در وظیفه‌شناسی نمره بالایی کسب می‌کنند به قابل اعتماد بودن، مسئول بودن و کارآمدن بودن گرایش دارند، آنها معمولاً از افرادی که در وظیفه‌شناسی نمره پایین به دست می‌آورند، نمره‌های بهتری در مدرسه می‌گیرند (گلدبرگ ۲۰۰۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهند افرادی که در این عامل نمره‌های بالایی می‌گیرند احتمالاً سالمتر هستند و بیشتر زنده می‌مانند. بررسی‌های طولی وظیفه‌شناسی که برخی از آنها آزمودنی‌های یکسانی را نزدیک به ۷۰ سال بررسی کردند نشان می‌دهند، اشخاصی که در دوران کودکی نمره بالایی در عامل وظیفه‌شناسی گرفتند، از نظر جسمی سالمتر بودند و بیشتر زنده ماندند (بوت، کیولی و ویکرز ۱۹۹۸، فریدمن و همکاران ۱۹۹۹، مارشال و همکاران ۲۰۰۱). پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند آنهایی که در توافق‌پذیری نمره بالایی به دست می‌آورند، دارای حس همکاری، یاری‌دهنده، فداکار، درستکار و از خود گذشته‌اند (دیگمن ۱۹۹۶، جان ۱۹۹۸).

همچنین کافی، بوالهروی و پیروی (۱۹۹۵) در بررسی پیشرفت تحصیلی و سلامت عمومی دانشجویان ورودی سال تحصیلی ۹۵-۱۹۹۴ چهار دانشگاه علوم، فنی و مهندسی، هنر و ادبیات دانشگاه تهران، که با استفاده از آزمون SCL-90-R صورت گرفت. به این نتیجه دست یافتند که بین سلامت عمومی دانشجویان تهرانی و شهرستانی، دانشجویان دختر و پسر، دانشکده‌ها و سهمیه قبولی پذیرفته شدگان، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. در این بررسی میانگین نمره دانشجویان شهرستانی در تمام ابعاد آزمون، به استثنای پرخاشگری، بیش از دانشجویان تهرانی بود. نمره کل آزمون دانشجویان پسر بالاتر از دانشجویان دختر بوده اما تفاوت معنی‌داری بین آنها مشاهده نگردید (طب و تزکیه ۲۰۰۲، شماره ۴۳).

فرشید فرد (۱۳۷۴) نیز در تحقیق خود نشان داد که دانشجویان مشروطی، نمرات آسیب‌شناختی بالاتری به دست می‌آوردند و بین دانشجویان مشروطی و غیر مشروطی تفاوت معنی‌داری از لحاظ پیشرفت تحصیلی وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان داد، دانشجویانی که از نظر پیشرفت تحصیلی عملکرد ضعیفی دارند مشکلات و استرس بیشتر و در نتیجه سلامت عمومی پایین‌تری دارند.

بنابراین با توجه به اطلاعات جمع آوری شده از منابع مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که ویژگی‌های شخصیتی نظیر: برون‌گرا بودن، وظیفه‌شناس بودن، باز بودن به تجربه و توافق‌پذیر بودن با اجتماع، می‌تواند ضامن سلامت عمومی باشد که در نهایت این امر باعث افزایش پیشرفت و عملکرد تحصیلی می‌شود. بر عکس روان‌رنجوری نه تنها منجر به کاهش سلامت عمومی می‌شود، بلکه باعث کاهش پیشرفت تحصیلی و در نتیجه افت تحصیلی هم می‌گردد.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، شامل دانشجویان دختر و پسر دانشکده روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن بود که در سال تحصیلی ۲۰۱۰-۲۰۰۹ در این دانشگاه به تحصیل اشتغال داشتند. از این جامعه، تعداد ۱۸۵ دانشجوی پسر و ۱۶۰ دانشجوی دختر با روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب و مورد آزمون قرار گرفتند.

ابزار

پرسشنامه سلامت عمومی GHQ-28: این پرسشنامه توسط گلدبرگ در سال ۱۹۷۳ طراحی شده است. سوالهای این پرسشنامه به بررسی وضعیت روانی افراد در یک ماهه اخیر می‌پردازد و شامل نشانه‌هایی مانند افکار و احساسات نابهنجار و جنبه‌هایی از رفتار قابل مشاهده است. این سوال‌ها به موقعیت کنونی و چهار حوزه کارکردی شامل: نشانگان جسمی، اضطراب، اختلال در کنش و کارکرد اجتماعی، و افسردگی تاکید می‌کنند. گلدبرگ و ماری (۱۹۹۸) این مطالعه‌ها را فراتحلیلی کردند و به این نتیجه رسیدند که متوسط حساسیت GHQ-28 برابر با ۸۴٪ (بین ۷۷٪ تا ۸۹٪) و متوسط ویژگی آن برابر با ۸۲٪ (بین ۷۸٪ تا ۸۵٪) است. در ایران نیز هومن با هنجاریابی فرم GHQ-28 به روی یک نمونه ۷۵۱ نفری از دانشجویان، مقدار ضریب آلفای کرونباخ را برای مقیاس‌های علایم جسمی ۸۵٪، علایم اضطرابی ۸۷٪، اختلال در کنش و کارکرد اجتماعی ۷۶٪ و علایم افسردگی ۹۱٪ و برای کل مقیاسی که نشان دهنده سلامت عمومی است برابر با ۸۵٪ گزارش کرده است.

پرسشنامه شخصیتی NEO-FFI: این پرسشنامه شامل ۶۰ سوال می‌باشد که از فرم تجدید نظر شده NEO-PI-R اقتباس شده و پنج عامل شخصیتی، روان‌رنجوری برون‌گرایی، باز بودن به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی را اندازه‌گیری می‌کند (مک کری و کوستا، ۱۹۹۲). در پژوهشی که توسط گروسی و فرشی (۲۰۰۱) انجام گرفته است، ضریب آلفای کرونباخ برای روان‌رنجوری ۸۶٪، برون‌گرایی ۷۳٪، باز بودن به تجربه ۵۶٪، توافق‌پذیری ۶۸٪ و وظیفه‌شناسی ۸۷٪ به دست آمده است.

پیشرفت تحصیلی: پیشرفت تحصیلی دانشجویان در این پژوهش بر اساس معدل درسی آنان در ترم گذشته مطالعه و منظور شده است.

یافته‌ها

جدول مولفه‌های توصیفی:

جدول ۴-۲: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره آزمودنی‌ها در پرسشنامه پنج عامل (NEO)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
روان رنجوری	۲۱/۵۵	۸/۳۷	-۰/۱۳۸	-۰/۱۹۳	۱	۴۷
باز بودن به تجربه	۲۸/۹۵	۴/۶۹	-۰/۰۶۸	-۰/۱۱۲	۱۵	۴۲
برون‌گرایی	۲۸/۳۸	۵/۲۹	-۰/۴۴۴	-۰/۲۴۱	۱۱	۴۲
توافق‌پذیری	۳۰/۹۵	۵/۶۲	-۰/۵۱۷	-۰/۳۶۷	۱۳	۴۳
وظیفه‌شناسی	۳۲/۴۲	۴/۶۶	-۰/۲۹۶	-۰/۲۱۹	۹	۵۱
پیشرفت تحصیلی	۱۴/۷۵	۲/۸۲	-۰/۵۹۹	-۰/۱۶۶	۴/۷۵	۱۹/۸۰
سلامت عمومی	۲۸/۸۰	۹/۵۶	-۰/۸۴۷	-۰/۴۷۸	۹	۶۴

بر اساس اطلاعات جدول بالا در خصوص توزیع نمره‌های آزمودنی‌های مورد مطالعه در مولفه‌های ه‌گانه (روان رنجوری، باز بودن به تجربه، برون‌گرایی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی) مربوط به پرسشنامه شخصیتی NEO و دو متغیر پیشرفت تحصیلی و سلامت عمومی شاخص‌های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، شاخص‌های کجی و کشیدگی و مقادیر حداقل و حداکثر آن‌ها نشان می‌دهد که توزیع نمره‌های گروه نمونه نزدیک به توزیع نرمال است. گذشته از این، با توجه به این شاخص‌های به دست آمده و نظر به اینکه مقیاس‌های اندازه‌گیری متغیرهای پیش‌بین و ملاک از نوع فاصله‌ای و در نتیجه داده‌های جمع‌آوری شده از نوع کمی هستند و در عین حال بر پایه قضیه حد مرکزی می‌توان به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های پارامتری استفاده کرد.

جدول مولفه‌های استنباطی:

جدول ۲- تحلیل رگرسیون چند گانه برای پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس متغیرهای مربوط به ویژگی‌های شخصیتی

پیشرفت تحصیلی				پیش‌بینی‌کننده‌ها
ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده (بتا)	T	سطح معنی داری	
۱۵/۵۵۵	-	۹/۹۸۹**	۰/۰۰۰	عدد ثابت
۰/۰۳۹	۰/۱۱۱	۱/۴۰۷	۰/۱۶۱	روان رنجوری
۰/۰۲۳	۰/۰۳۷	۰/۶۰۷	۰/۵۴۵	باز بودن به تجربه
-۰/۱۱۳	-۰/۲۰۱	-۲/۸۶۸**	۰/۰۰۴	برون‌گرایی
-۰/۰۱۲	-۰/۰۲۳	-۰/۳۰۷	۰/۷۵۹	توافق‌پذیری
۰/۰۴۴	۰/۰۹۹	۱/۴۲۸	۰/۱۵۵	وظیفه‌شناسی

$R = ۰/۲۴۵$ و $R^2 = ۰/۰۶۵$ و R^2 تعدیل شده و $F = ۳/۴۹۸$ و $R^2 = ۰/۰۴۶$

** معنی دار در سطح ۰/۰۱

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مقدار R^2 (۰/۰۶۵) بدین معنی است که نزدیک به ۷ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی توسط پنج متغیر ویژگی‌های شخصیت تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، ۷ درصد از پراکندگی مشاهده شده در پیشرفت تحصیلی توسط این ۵ مولفه توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۲۴۵) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش‌بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۳/۴۹۸) در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و پیشرفت تحصیلی در گروه مورد مطالعه همبستگی معنی دار وجود دارد. با در نظر گرفتن اطلاعات جدول بالا از بین پنج مولفه تنها مولفه برون‌گرایی با ضریب بتای $-۰/۲۰۱$ معنی دار است. یعنی با مراجعه به آماره t و سطوح معنی داری می‌توان قضاوت کرد که همبستگی منفی و معنی دار با پیشرفت تحصیلی (در سطح ۰/۰۱) دارد و می‌تواند پیش‌بینی‌کننده سطح پیشرفت تحصیلی گروه نمونه باشد. علاوه بر این، با توجه به جهت همبستگی این متغیر با پیشرفت تحصیلی می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش یک واحد در این متغیر برون‌گرایی متغیر پیشرفت تحصیلی به ترتیب ۰/۲۰۱ واحد کاهش می‌یابد.

جدول ۳- تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش بینی سلامت عمومی بر اساس متغیرهای مربوط به ویژگی‌های شخصیتی

پیش بینی کننده‌ها	سلامت عمومی		
	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده (بتا)	T
عدد ثابت	۱۶/۳۴۲	-	۲/۵۷۹*
روان رنجوری	۰/۵۶۲	-۰/۴۸۰	-۷/۰۹۷**
باز بودن به تجربه	۰/۲۴۷	۰/۱۲۱	۲/۳۲۴*
برون گرایی	-۰/۱۹۶	-۰/۱۰۴	-۱/۷۴۹
توافق پذیری	-۰/۱۲۳	-۰/۰۷۲	-۱/۱۲۶
وجدانی بودن	۰/۰۸۳	۰/۰۶۵	۰/۹۴۶

$$R = ۰/۵۶۹ \text{ و } R_2 = ۰/۳۲۴ \text{ و } R_2 = ۰/۳۱۱ \text{ و } F = ۲۴/۲۴۹ **$$

** معنی دار در سطح ۰/۰۱ * معنی دار در سطح ۰/۰۵

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، مقدار R_2 (۰/۳۲۴) بدین معنی است که ۳۲/۴ درصد از واریانس سلامت عمومی توسط پنج متغیر ویژگی‌های شخصیتی تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، ۳۲/۴ درصد از پراکندگی مشاهده شده در سلامت عمومی توسط این ۵ مولفه توجیه می‌شود. مقدار R مشاهده شده (۰/۵۶۹) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر می‌تواند برای پیش بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (۲۴/۲۴۹) در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و سلامت عمومی در گروه مورد مطالعه همبستگی معنی داری وجود دارد. با در نظر گرفتن اطلاعات جدول بالا از بین پنج مولفه تنها دو مولفه روان رنجوری با ضریب بتای (۰/۴۸۰-) و باز بودن به تجربه با ضریب بتای (۰/۱۲۱) معنی دار هستند، یعنی با مراجعه به آماره t و سطوح معنی داری، می‌توان قضاوت کرد مولفه روان رنجوری همبستگی منفی و معنی داری با سلامت عمومی دارد و مولفه باز بودن به تجربه همبستگی مثبت و معنی داری با سلامت عمومی (به ترتیب در سطح ۰/۱ و ۰/۵) دارند که می‌توانند پیش بینی کننده سلامت عمومی گروه نمونه باشند. علاوه بر این، با توجه به جهت همبستگی این متغیرها با سلامت عمومی نتیجه گرفت که با افزایش یک واحد در متغیر روان رنجوری، متغیر سلامت عمومی ۰/۴۸۰- کاهش و با افزایش یک واحد در متغیر باز بودن به تجربه، متغیر سلامت عمومی ۰/۱۲۱ واحد افزایش می‌یابد.

جدول ۴- ضریب همبستگی پیرسون و آزمون معناداری آن بین سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی

	پیشرفت تحصیلی	سلامت عمومی
همبستگی پیرسون پیشرفت تحصیلی	۱	-۰/۳۰۵
سطح معناداری		۰۰۰.
تعداد	۳۴۳	۳۴۱
همبستگی پیرسون سلامت عمومی	-۰/۳۰۵	۱
سطح معناداری	۰۰۰.	
تعداد	۳۴۱	۳۴۳

جدول ۳ نشان می‌دهد بین سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی همبستگی برابر ۰/۳۰۵- وجود دارد. از آنجا که نمره بالاتر در GHQ نشان دهنده سلامت عمومی کمتر است یا به عبارت دیگر سلامت عمومی افراد با نمره آنها در این آزمون نسبت عکس دارد پس می‌توان نتیجه گرفت در سطح $\alpha = ۰/۰۱$ بین پیشرفت تحصیلی و سلامت عمومی رابطه مثبت وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش مشخص شد که بین ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان و پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد. بدین معنی که نزدیک به ۷ درصد از واریانس پیشرفت تحصیلی توسط پنج متغیر ویژگی‌های شخصیتی تبیین شده است. به عبارت دیگر، ۷ درصد از

پراکندگی مشاهده شده در پیشرفت تحصیلی توسط این پنج مولفه: روان رنجوری، برون گرایی، بازبودن به تجربه، وظیفه شناسی و توافق پذیری توجیه می‌شود. این در حالی است که بر اساس مطالعات بین‌المللی که به روی ۱۷ کشور جهان توسط IEA انجام گرفته، نشان داده شده که عوامل انگیزش و شخصیتی می‌تواند حداکثر ۱۲ تا ۲۰ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی را توجیه کنند. (تورشن ۱۳۶۹، هیوسن ۱۹۶۷، تومبر و کیوز ۱۹۷۳، پوروسی ۱۹۷۳، ثراندایک ۱۹۷۳، کارول ۱۹۷۵، لویس و ماساد ۱۹۷۵، فونتانا ۱۹۹۵). با این وصف، به نظر می‌رسد پژوهش حاضر با نتایج تحقیقات بین‌المللی هماهنگ است. علاوه بر آن، در این پنج مولفه شخصیتی، تنها مولفه برون گرایی با ضریب بتای (۰/۲۰۱-) همبستگی منفی و معنی داری با پیشرفت تحصیلی دارد که نشان می‌دهد دانشجویانی که از پیشرفت تحصیلی بهتری برخوردارند، کمتر گرایش‌های برون گرایی دارند و عمدتاً افرادی سخت‌کوش، جاه‌طلب، پیشرفت‌گرا، اندیشمند، محافظه‌کار، مستقل، تکرو، تنها و گاه‌خجالتی هستند که عمدتاً مشخصه اصلی درون گرایی است. بنابراین به نظر می‌رسد که در پژوهش حاضر، افرادی که گرایش درون‌گرایی دارند، از پیشرفت تحصیلی بهتری برخوردار باشند.

در این پژوهش مشخص شد که بین ویژگی‌های شخصیتی و سلامت عمومی دانشجویان رابطه وجود دارد. در این میان، دو مولفه روان رنجوری (۰/۴۸۰-) و باز بودن به تجربه (۰/۱۲۱) از معناداری بیشتری برخوردارند. این یافته با پژوهش‌های متعددی که در مقوله روان رنجوری توسط تورشن (۱۹۸۱)، وایت (۱۹۸۱)، جورم (۱۹۸۷)، پارکس (۱۹۸۸)، فوجی تا، پاوت (۱۹۹۵)، لارنس و کاستی ماتیس (۱۹۹۶)، فارن‌هام چنگ (۱۹۹۷)، اورمال و ولفات (۱۹۹۸)، فوتر و همکاران (۱۹۹۸)، و در ایران، باقری و همکاران (۱۳۷۳)، پالاهانگ و همکاران (۱۳۷۴)، خزائلی (۱۳۷۴)، بحیرینیان و صداقتی (۱۳۷۸)، بحیرینیان، قاسمی و برومند (۱۳۷۹) و اسفندیاری (۱۳۸۷) انجام گرفته است، هماهنگ است.

در این تحقیق مشخص شده افرادی که از سلامت عمومی بالایی برخوردارند، قادر به کنترل استرس، اضطراب و احساس افسردگی بوده، و رویدادهای زندگی را به طور مثبت ارزیابی می‌کنند. شور و شوق زندگی در آنها بالاست و از زندگی خود لذت می‌برند. در حالی که، افراد که نمره زیادی در روان رنجوری می‌گیرند به داشتن احساسات منفی همچون ترس، غم، برانگیختگی هیجانی، خشم، احساس گناه، احساس کلافگی دائمی و فراگیر، افزایش وزن، جریمه رانندگی، تصادف با اتومبیل، یا نپذیرفته شدن در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، آمادگی بیشتری دارند.

از آنجایی که هیجانانگ منفی، در سازگاری فرد با محیط اثر ناخوشایندی می‌گذارد، از این رو، افرادی که نمره بالایی در مقیاس روان رنجوری به دست می‌آورند، احتمال بیشتری دارد که دچار باورهای غلط و غیر منطقی شوند. این افراد، کنترل کمی به تکانه‌های خود دارند و از درجه سازگاری پایین تری با دیگران برخوردارند و قادر به مدیریت کردن زمان و استرس نیستند، از این رو، از استعداد بیشتری برای ابتلا به انواع اختلالات و بیماری‌های روانی از جمله اختلالات نوروتیک: نظیر اضطراب و افسردگی، یا اختلالات سوماتیک مانند ناراحتی‌های قلبی-عروقی، گوارشی و پوستی و حتی پسیکوتیک برخوردارند.

علاوه بر آن، به نظر می‌رسد دانشجویانی که در باز بودن به تجربه نمره بالایی می‌گیرند، به داشتن تمایلات روشن‌فکرانه گسترده، و جستجوی فعالانه چالش و تغییر گرایش دارند. آنها در مقایسه با افرادی که نمره پایین در باز بودن به تجربه می‌گیرند به احتمال بیشتر مشاغل و حتی رشته تحصیلی خود را تغییر می‌دهند. حرفه‌های متفاوت را امتحان می‌کنند و تغییرات زندگی بیشتری را انتظار دارند. علاوه بر اینها در این تحقیق، ضریب همبستگی (۰/۳۰۵-) بین دو متغیر سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی به دست آمد. از آنجا که نمره بیشتر در آزمون GHQ-28 نشانگر سطح سلامت عمومی پایین‌تر است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

بنابراین نتیجه این تحقیق با پژوهش‌های انجام شده توسط رایبیز (۱۹۹۰)، تایرل (۱۹۹۲)، اسچاماگر و همکاران (۱۹۹۵)، فرگوسن، بن شک و بودیگلس (۱۹۹۵)، ریکینسون، واتر فورد (۱۹۹۵)، و در ایران، کافی، بوالهروی و پیروی (۱۳۷۳)، فرشید فر (۱۳۷۴) هماهنگ است. به نظر می‌رسد که دانشجویانی که از سطح سلامت عمومی بالایی برخوردارند، می‌توانند به پیشرفت تحصیلی مطلوبی نائل شوند و یا این که دانشجویانی که عمدتاً به پیشرفت‌های تحصیلی خوب نایل شده‌اند، از زمینه سلامت جسمی و روانی خوبی برخوردار بوده‌اند.

به طور کلی با توجه به یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که: ویژگی‌های نظیر باز بودن به تجربه، تا حدی درون‌گرا بودن و از همه مهمتر داشتن ثبات هیجانی (روان‌رنجور نبودن) سهم عمده‌ای در سلامت عمومی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رشته روانشناسی دارد.

این تحقیق نشان می‌دهد که به منظور افزایش پیشرفت تحصیلی دانشجویان باید به منابع درونی از جمله ویژگی‌های شخصیتی آنها متمرکز شد. نه صرفاً به ویژگی‌های بیرونی مثل کیفیت برنامه‌های آموزشی. بنابراین پیشنهاد می‌شود تحقیقات بیشتری در این زمینه و به ویژه با استفاده از فرم بلند پرسشنامه شخصیتی NEO صورت گیرد تا رابطه پیشرفت تحصیلی با خرده‌مقیاس‌های هر یک از عوامل پنج‌گانه با دقت بیشتری بررسی شود. علاوه بر آن وجود تحقیقاتی که در آنها به صورت همزمان تاثیر عوامل درونی مثل (ویژگی‌های شخصیتی، خلاقیت، هوش و استعداد، سبک‌های تفکر، ... و عوامل بیرونی مثل (کیفیت برنامه‌ها و اهداف آموزشی، استفاده از اساتید مجرب و کارآموده، استفاده از فن‌آوری آموزشی مناسب، ... را بر پیشرفت تحصیلی بررسی نماید ضروری به نظر می‌رسد.

References

- Atkinson, R.I., Atkinson, R.S., & Hilgard, E.S. (1994). Introduction to psychology (8th Ed.), translated by: M.T. Baraheni, B. Birashk, and A.A. Seif, Tehran: Roshd press.
- Argaill, M. Happiness psychology, translated by: Homan, M. and et al, (2005). Isfahan jahad university press.
- Bloom, B. (1982). Human characteristics and school learning, translated by: Seif, A.A. (1985). Markas nasher daneshgahi.
- Biabangard, S. (2006). Educational psychology, learning and instrumental psychology. Viraysh press. (Persian).
- Bentham, S. Educational psychology, translated by: Biabangard, S. and Nemati, A. (2006). Roshd press.
- Fergusson, L.C., Bonshek, A.J. and Boudigues, J.M. (1995). Personality and health characteristics of Cambodian under graduates: a case study for students development. Journal of instructional psychology. 22,4,308-319.
- Flett, G.L., Blankstein, K.R., Occhiuto, M. and Koledin, S. (1994). Depression, self-esteem, and complex attributions for life problems. Current psychology, 13,3,263-281.
- Feist, G. & Feist, G. (2009). Personality theories. Translated by: Saied Mohammadi, Y. Ravan press.
- Kafey, Bolhari, Peravie. (1994). Study of scholastic achievement & general health in university students (1993-1994). Teb & Taskieh, (2001). v 43. (Persian).
- Moghadam, B. (1996). Applied psychology in school. Sourosh press (Persian).
- Millanifar, B. (2006). Mental health. Ghoomes press (Persian).
- Pervin, Johan. Personality: Theory and Research. Translated by: Kadivar, P., Jolani, M.J. (2003). Aesh press. (Persian).
- Roos, A. A. Personality psychology: Theories and process. Translated by: Gamallfar, S. (2008). Ravan press.
- Ramezani, K. (2007). Educational psychology and its Applied. Azad university, Yasoj brunch. (Persian).
- Rickinson, B. and Rutherford, D. (1995). Increasing undergraduate student retention rate. British journal of guidance and counselling. 23,2,161-172.

- Robbins, A.D. (1990). Transference in the classroom. *Journal of college student psychotherapy*, 5,1,35-36.
- Sapington, A.A. (1989). *Mental Health*. Translated by : Hossein shahi, H.R. (1999). Ravan press.
- Santrac, j.W. *Educational psychology*. Translated by : Asadian, M. (2007). Yazd university press.
- Seif, A.A. (2008). *new Educational psychology : learning and instrumental psychology*. Doran press. (Persian).
- Saatchi, M. (2007). *counseling and psychotherapy : theories and strategies*. virayesh press. (Persian).
- Shultz, D. P, & sedny, A. (2004). *Personality theories*. translated by : saied mohammadi, y. viraysh press.
- Taylor, S.E. (1986). *Health psychology*. New York : Random House.
- Tyrrell, j. (1992). Sources of stress among psychology undergraduates. special Issue : psychology at Trinity College ; Dublin. 13,2,184-192.

